



دوره ۵۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰
صفحات ۲۷۱ تا ۲۹۶ (مقاله پژوهشی)

بررسی میزان و عوامل ترس از جرم در شهر کابل

محمود پوپل

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

مهدی سیدزاده*

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۰ - تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴)

چکیده

ترس از جرم در بین شهروندان جامعه از موضوعات مهم در مطالعات جرم‌شناسی و جامعه‌شناختی انحرافات بوده و از اهمیت بسزایی در جوامع برخوردار است، زیرا ترس از جرم با به چالش کشیدن امنیت همه کشورها، حتی بر زندگی خصوصی افراد تأثیر می‌گذارد، تا جایی که احساس بی‌اعتمادی و آسیب‌پذیری در افراد را تشدید کرده و اجتماعات را تجزیه می‌کند. بنابراین ترس از جرم باید به‌صورت دقیق تجزیه و تحلیل شود. پرسش اصلی مقاله این است که آیا ساکنان ناحیه ۱۳ شهر کابل با ترس از جرم مواجه بوده‌اند؟ در چه مکان‌هایی، از چه چیزهایی می‌ترسند و چرا؟ در این پژوهش به‌صورت پیمایشی و از نوع همبستگی پیرسون استفاده شده است. جامعه آماری آن تمامی افراد ساکن در ناحیه ۱۳ شهر کابل بودند، که از میان آنان ۲۸۵ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای مورد پرسش قرار گرفتند. متغیر اصلی و متغیرهای وابسته با طیف لیکرت چندگزینه‌ای سنجیده شدند. یافته‌ها و نتایج این پژوهش حاکی از آن است که میزان کل ترس در میان ساکنان این ناحیه (از حداقل ۲ تا حداکثر ۵) ۳/۴۳ بوده است. زنان با میانگین ۳/۱۹ ترس از جرم بیشتری نسبت به مردان با میانگین ۲/۹۵ دارند. بین متغیرهای بی‌سازمانی اجتماعی، تنوع خرده‌فرهنگی، اعتماد محله‌ای و تعلق محله‌ای با متغیر ترس از جرم رابطه معنادار وجود داشت، ولی میان متغیرهای عملکرد پلیس و رسانه‌ها با متغیر ترس از جرم رابطه معناداری برقرار نبود.

واژگان کلیدی

بی‌سازمانی اجتماعی، ترس از جرم، جنسیت، رسانه، عملکرد پلیس.

مقدمه

احساس امنیت از ضروریات اولیه جوامع بشری است و افراد برای زیستن در جامعه و پیشرفت و ترقی نیاز مبرم به امنیت دارند. چنانکه این احساس در کنار حقوق بنیادینی همانند حق حیات، جزء نسل اول حقوق بشر محسوب می‌شود (Donnelly, 1992: 25). این احساس ممکن است ناشی از عوامل مختلفی چون بلایای طبیعی جنگ، مهاجرت و امثال آن باشد، اما آنچه مدنظر این پژوهش است، احساس ترس ناشی از جرم است. ترس از جرم همانند خیلی از مباحث دیگر، حوزه جرم‌شناختی و علوم اجتماعی مختلفی دارد. ترس در لغت به معنای خوف و بیم (دهخدا، ۱۳۴۱: ۵۷۱) و هراس (معین، ۱۳۸۱: ۲۸۹) آمده است. با آنکه مفهوم ترس از جرم اولین بار در روزنامه آمریکایی برای توضیح واکنش مردم نسبت به رفتار مجرمانه ظهور کرد (نیکوکار و همت‌پور، ۱۳۹۱: ۲۳)، ولی دانشمندان جرم‌شناسی هنوز هم بر تعریف ترس از جرم به توافق نرسیده‌اند. پین^۱، ویلیام^۲ و هودسون^۳ معتقدند که ترس از جرم دامنه وسیعی از پاسخ‌های هیجانی و عملی به جرم و بی‌نظمی است که به‌طور فردی یا اجتماعی اتفاق می‌افتد (Park, 2008: 11). لاگرانژ^۴ و فرارو^۵ ترس از جرم را چنین تعریف کرده‌اند: «ترس از جرم واکنش احساسی است که با دو ویژگی وحشت^۶ و دلهره^۷ نسبت به جرم یا نمادهای آن مرتبط است» (سیدزاده ثانی و کرمانی، ۱۳۹۲: ۱۲۰). براساس این تعریف ترس از جرم دو رکن دارد، اول اینکه ترس از جرم واکنشی احساسی است و دیگر اینکه ترس از جرم به‌وسیله دو ویژگی وحشت و دلهره تحقق پیدا می‌کند. برخی دیگر از دانشمندان تعریف جامع‌تری ارائه داده‌اند، که ترس از جرم عبارت است از نگرانی احتمالی نسبت به جرم (نیکوکار و همت‌پور، پیشین: ۲۵؛ Warr & Mark, 2000: 453).

مفهوم ترس از جرم علاوه بر ترس از مواجهه مستقیم، شامل نگرانی از بزه‌دیدگی احتمالی نیز است؛ یعنی از دید روان‌شناسانه تنها زمانی کاربرد دارد که در شرایط بزه‌دیدگی قرار بگیریم. بنابراین تعریف ترس از جرم را این‌گونه می‌توان ارائه داد که عبارت است از «نگرانی نسبت به بزه‌دیدگی احتمالی» (نیکوکار و همت‌پور، پیشین). ترس از جرم پدیده‌ای مستقل و دارای پیامدهای منفی زیادی است. برای مثال شهروندان ممکن است به دلیل ترس از جرم از رفت‌وآمد در محله‌های خاص اجتناب کنند یا صاحبان مشاغل مشتری‌ها یا کارمندان باکیفیت را از دست بدهند

1. Pain
2. Williams
3. Hudson
4. LaGrange
5. Ferraro
6. Dread
7. Anxiety

و... در نتیجه این گونه مشاغل ممکن است با شکست مواجه شوند. همچنین ممکن است ترس از جرم بر کیفیت زندگی شهروندان تأثیر بگذارد. برای مثال زنان ممکن است در فعالیت‌های اجتماعی نقش نگیرند یا مردان در محله‌هایی که خطرناک تلقی می‌شوند، در بیرون رفتن از منزل مردد باشند.

موضوع ترس از جرم از جمله موضوعات مهم و حساس در دنیای جرم‌شناختی و جامعه‌شناختی است. به همین دلیل پرسش‌ها و ابهامات مختلفی در جوانب گوناگون آن مطرح است و از آنجا که این موضوع در افغانستان و ایران دارای عوامل مشابه است، در آینده می‌تواند به‌عنوان پژوهش بکر در موضوعات همانند، مورد استفاده خوانندگان افغانی و ایرانی واقع شود.

با توجه به این مقدمه دغدغه اصلی این پژوهش، مسئله ترس از جرم در بین ساکنان ناحیه ۱۳ شهر کابل و دستیابی به توسعه پایدار شهری، آسایش و امنیت ساکنان با توجه به اهداف برنامه‌ریزی شهری است. از سوی دیگر، میزان ترس از جرم در شهر کابل به‌ویژه ناحیه ۱۳ بالا بوده و ساکنان آن نمی‌توانند با آرامش خاطر به فعالیت‌های اجتماعی به‌ویژه از ساعت ۸ شب به بعد بپردازند.^۱ از این حیث پیشگیری از ترس از جرم و متعادل ساختن آن در این ناحیه ضروری است. پرسش پژوهش شناخت ذهنیت ساکنان ناحیه ۱۳ شهر کابل و اطلاع از عمق واقعیت در میان کسانی است که با این گونه ترس‌ها مواجه بوده‌اند؛ اینکه در چه مکان‌هایی، از چه چیزهایی می‌ترسند و چرا؟ با توجه به پرسش اصلی درصدد پاسخ به پرسش‌های جزئی زیر نیز هستیم:

۱. آیا ساکنان ناحیه ۱۳ شهر کابل، از نظر ابعاد اعتماد اجتماعی، بی‌نظمی فیزیکی و اجتماعی و روابط محله‌ای دارای میزان متفاوتی از ترس از جرم هستند؟
۲. آیا در ناحیه ۱۳ بین سن و سطح تحصیلات و جنسیت افراد و میزان ترس از جرم رابطه وجود دارد؟

برای پاسخ به پرسش‌های مذکور، نخست در بندهای شماره ۲ و ۳ در خصوص پیشینه و روش تحقیق به‌صورت اجمالی بحث شده است. در بند شماره ۴ به بررسی چارچوب نظری و یافته‌های تحقیق پرداخته شده که فهم ابتدایی در مورد موضوع ترس از جرم و عوامل مؤثر بر آن را به‌وجود می‌آورد. در نهایت با نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی خاتمه یافته است.

۱. گزارش‌های مختلف و نیز مشاهدات شخصی و گفت‌وگوهای که نویسنده مسئول این پژوهش با مسئولان امنیتی ناحیه ۱۳ در سال ۱۳۹۹ داشته است، این ادعا را تأیید می‌کند. از جمله در گزارشی، دادستان کل بیان کرده است که در سال ۱۳۹۹ در شهر کابل ۵۴۶۴ قضیه جنایی ثبت و رسیدگی شده است (ابراهیم خیل، ۱۳۹۹).

۱. پیشینه تحقیق

در مورد ترس از جرم بیشتر منابع لاتین است. از جمله بن بروان^۱ در مقاله‌ای با عنوان «ترس از جرم در کره جنوبی» به تجزیه و تحلیل ترس از جرم در بین دانشجویان دانشگاه کره جنوبی پرداخته است. وی به این نتیجه رسیده که با وجود ترس زیاد زنان نسبت به مردان، قربانی شدن به طور مداوم با ترس و وحشت مرتبط با جرم همراه نیست و جنسیت بر ترس از قربانی شدن تأثیر می‌گذارد (Brown, 2016: 116-131). هانا اسکات^۲ در مقاله‌ای با عنوان «خطر غریبه؛ توضیح ترس از جرم زنان»، با استفاده از تکنیک‌های رگرسیون به بررسی خشونت علیه زنان در کانادا، تأثیر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، تجربه قبلی جرم و ترس از جرم پرداخته است. وی به این نتیجه رسیده است که یکی از پیامدهای ترس این است که زنان بیشتر از غریبه‌ها و مردان ناشناسی که در نزدیکی آنان وجود دارند، می‌ترسند (Scott, 2003: 203-214). پیтары کوجالا^۳ و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «نابرابری اقتصادی، فقر و ترس از جرم در اروپا» به این نتیجه رسیدند که اینک ارتباط میان فقر و ترس از جرم از نظر آماری معنادار نیست، به نظر می‌رسد که تحصیلات و درآمد تنها واسطه بین محرومیت مادی و ترس از جرم هستند (Kujala, 2018: 1-28).

فرانسیس و نانا^۴ در مقاله‌ای با عنوان «درک افتراقی ترس از جرم در میان دانشجویان؛ عامل نژاد» به بررسی تأثیرات نژادی بر ترس از جرم در میان دانشجویان ایالات متحده آمریکا پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که دانشجویان غیر سفیدپوست نسبت به هم‌تایان سفیدپوست خود ترس بیشتری داشته و نیز جنسیت و عملکرد پلیس بر ترس دانشجویان تأثیر گذاشته است (Francis & Nana, 2017: 138-159).

وسلی اسکوگان^۵ در مقاله‌ای با عنوان «ترس از جرم؛ علل و پیامدها» به این نتیجه دست می‌یابد که در آمریکا با توجه به شواهد سالمندان سنگین‌ترین هزینه‌های روانی جرم را متحمل می‌شوند و پیشنهاد می‌کند که به سالمندان کمک کنید تا با قربانی شدن و پیامدهای آن مقابله کنند (Skogan, 1978: 1-24).

تا جایی که نویسنده اطلاع دارد، در مورد ترس از جرم هنوز پژوهشی به صورت پیمایشی در افغانستان انجام نگرفته، اما تحقیقاتی در ایران صورت پذیرفته است که ما را در پژوهش حاضر کمک و یاری می‌کند. از جمله حمیدرضا نیکوکار و بهاره همت‌پور در کتابی با عنوان *ترس از جرم، مفاهیم، آثار، نظریه‌ها و متغیرهای مؤثر بر ترس از جرم* را بررسی کرده است. نتایج حاکی از

1. Ben Brown
2. Hannah Scott
3. Pietari Kujala
4. Francis D. Boateng & Nana S. Adjekum-Boateng
5. Wesley G. Skogan

آن است که متغیرهای همچون سن، جنسیت، رسانه و... در کاهش و افزایش ترس از جرم مؤثر است. سید مهدی سیدزاده ثانی و سعید کرمانی در مقاله‌ای با نام «ترس از جرم در مشهد: میزان و عوامل»، میزان و عوامل مؤثر در ترس از جرم را در مناطق ۹ و ۴ شهر مشهد بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که عوامل ترس از جرم در این دو منطقه بی‌سازمانی اجتماعی، عدم رضایت از پلیس و تنوع خرده‌فرهنگی است. امیر پاک‌نهاد در تحقیقی با عنوان «احساس ناامنی و ترس از جرم»، احساس ترس از جرم را از مشکلات جامعه نوین دانسته و متغیرهایی همچون جنسیت، سن، سابقه بزه‌دیدگی و محیط زندگی فرد را در شکل‌گیری و تشدید ترس از جرم اثرگذار می‌داند. سید حسین سراج‌زاده و اشرف گیلانی در تحقیقی با عنوان «بی‌سازمانی اجتماعی و ترس از جرم»، برای تبیین پدیده ترس از جرم، بی‌نظمی فیزیکی و اجتماعی، قربانی شدن، و تأثیر رسانه‌های جمعی را مطرح نموده و دلالت این نظریه‌ها را بر موضوع ترس از جرم مورد بررسی قرار داده است.

حمیدرضا نیکوکار در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی بزه‌دیدگی شناختی ترس از جرم پرداخته است. بخش مهم نتایج این تحقیق بیانگر این موضوع است که نگرانی درباره جرم، هراس اخلاقی و احساس ناامنی مفاهیم معادل با پدیده ترس از جرم نیستند.

۲. جامعه آماری و روش‌شناسی تحقیق

ناحیه ۱۳، از نواحی غیرپلانی و پرجمعیت شهر کابل و دارای ۷۵۰۰۰۰ تن جمعیت و ۶۶۰۰۰ خانواده است و در غرب شهر کابل واقع شده است.^۱ روزنامه اطلاعات روز، جمعیت این ناحیه را بیش از یک میلیون نفر تخمین می‌زند (شفایی، ۱۳۹۴). دلیل تراکم جمعیت در این ناحیه برگشت مهاجران افغانستانی از ایران و پاکستان و همچنین مهاجرت از روستاهاست. رفتارهای غیرمدنی مانند ریختن زباله در کوچه‌ها و خیابان‌ها، خرابکاری، دیوارنشته‌ها و غیره در این ناحیه خیلی زیاد مشاهده می‌شود و نیز بی‌نظمی اجتماعی همانند پرسه زدن افراد ولگرد، زورگیری، مستی در ملاعام و غیره در بین ساکنان این ناحیه خیلی زیاد است (مشاهده شخصی). به هر حال جامعه آماری این پژوهش مردان و زنان ۱۸ تا ۶۰ سال همین ناحیه بودند.

در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات نظری از روش کتابخانه‌ای و برای دستیابی به اطلاعات عملی پاسخگویان از روش پیمایشی و نوع همبستگی استفاده شده است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود که پرسش‌های آن از پیمایش‌های مختلفی در مورد ترس از جرم در کشور ایران و دیگر کشورها اقتباس شده است، در مجموع ۶۴ گویه برای متغیرها در پرسشنامه طراحی

۱. سایت رسمی شاروالی کابل: Km.gov.af

شد، که همه گویه‌ها کمی بود. سپس داده‌ها از طرق آمار توصیفی میانگین و آزمون‌ها براساس آزمون همبستگی پیرسون ارزیابی شدند.

متغیرهای سن و درآمد مالی در سطح فاصله مورد سنجش قرار گرفت. جنسیت به‌عنوان متغیر دوم‌موقله‌ای که ۱ برای زنان و ۲ برای مردان و نیز سطح تحصیلات در ۵ سطح ترتیبی از ابتدایی تا دکتری در نظر گرفته شد. سایر متغیرها به کمک مقیاس لیکرت طراحی و اندازه‌گیری شد. برای متغیر وضعیت اقتصادی (نمره حداقل ۲۵) و (نمره حداکثر ۱۰۰) در نظر گرفته شده و نیز برای متغیر رضایت از عملکرد پلیس (نمره حداقل ۵) و (نمره حداکثر ۲۰) است. همچنین برای سایر متغیرها نمره حداقل ۱ و نمره حداکثر ۵ مدنظر قرار داده شد. در نهایت پس از تعیین شاخص‌های لازم در پرسشنامه اعتبار^۱ صوری و پایایی^۲ آن تأیید شد و برای روایی گویه‌ها^۳ ضریب آلفای کرونباخ به کار رفت.

پیش از نهایی شدن تعداد ۳۰ پرسشنامه به صورت پیش‌آزمون توسط پژوهشگر به صورت مصاحبه حضوری تکمیل شد تا از روایی گویه‌ها اطمینان حاصل شود، که پس از آن تعداد گویه‌ها حذف یا تغییر داده شد. پس از نهایی شدن پرسشنامه تشریحاتی برای پاسخگویان به منظور اطمینان بیشتر داده شد و پرسشنامه‌ها بدون نوشتن نام افراد تکمیل شد.

۳. یافته‌های پژوهش

۳.۱. سیمای پاسخگویان

پاسخگویان پژوهش ۲۸۵ نفر بودند که از این تعداد ۶۱/۸ درصد (۱۷۶ نفر) مرد و ۳۷/۹ درصد (۱۰۸) زن بودند و یک نفر گزینه جنسیت را خالی گذاشته بود. از لحاظ سنی و وضعیت تأهل پاسخگویان به چهار دسته تقسیم شدند؛ به این ترتیب که ۴۳/۲ درصد بین ۱۸-۳۰ سال، ۳۷/۲ درصد ۳۱-۴۰ سال، ۱۰/۹ درصد ۴۱-۵۰ سال و ۸/۸ درصد ۵۰ سال به بالا قرار دارند.

همچنین ۳۷/۵ درصد مجرد، ۵۲/۶ درصد متأهل، ۷/۷ درصد بیوه و ۰/۷ درصد مطلقه بودند و از این جمع ۳ نفر وضعیت تأهل خویش را مشخص نکرده و یک نفر جواب نادرست داده است.

1. Validity
2. Reliability

۳. منظور از گویه پرسشی است که در پرسشنامه یا مصاحبه مطرح می‌شود.

از نظر تحصیلات پاسخگویان به پنج دسته تقسیم شدند که ۲۳/۹ درصد زیر دیپلم، ۱۵/۱ درصد دیپلم، ۳۸/۹ درصد لیسانس، ۱۸/۶ درصد فوق لیسانس، ۲/۱ درصد دکتری بودند و از این میان ۳ نفر به این پرسش پاسخ ندادند.

از لحاظ پایگاه اقتصادی ۱۰/۹ درصد افراد خیلی فقیر، ۲۱/۸ درصد فقیر، ۴۳/۵ درصد افراد در وضعیت اقتصادی متوسط، ۲۰ درصد افراد ثروتمند و ۳/۹ درصد افراد خیلی ثروتمند بودند.

از لحاظ مدت سکونت در این ناحیه در مجموع ۱۴/۷ درصد افراد کمتر از یک سال، ۲۱/۸ درصد افراد از ۱ تا ۵ سال، ۳۹/۶ درصد از افراد از ۵ تا ۱۰ سال و ۲۳/۲ درصد از افراد بیشتر از ۱۰ سال ساکن منطقه‌شان بودند و نیز ۲ نفر به این پرسش، پاسخ ندادند.

۲.۳. میزان ترس از جرم

در بررسی متغیر ترس از جرم ۸ گویه مطرح شد که پاسخگویان به ترتیب میزان ترس خود را بیشتر از تنها بودن در خانه در طول روز با میانگین ۴/۰۲، از بیرون رفتن از خانه در طول روز به تنهایی با میانگین ۳/۶۴، از تنها بودن در خانه در طول شب با میانگین ۳/۱۷، از تردد هنگام شب در خیابان به تنهایی با میانگین ۲/۷۷، از حضور در مکان‌های تفریحی با میانگین ۲/۶۹، از پذیرفتن خوراکی از افراد ناشناس با میانگین ۲/۶۱، از حمل پول نقد با میانگین ۲/۶۰ و از خالی گذاشتن منزل به مدت چند روز با میانگین ۲۵/۴۵، اعلام کردند. پاسخگویان در طول پنج سال گذشته، به ترتیب میزان بزه‌دیدگی خود را، از کتک خوردن توسط افراد ناشناس ۳۳/۰ درصد، کیف‌قاپی ۲۲/۸ درصد، مزاحمت خیابانی ۲۲/۱ درصد، زورگیری ۱۷/۹ درصد، توهین ۱۶/۸ درصد، سرقت اتومبیل^۱ ۱۵/۴ درصد، سرقت از منزل ۱۰/۲ درصد، تجاوز و تعدی^۲ ۱/۸ درصد و سایر جرائم ۷/۰ درصد اعلام کردند.

در مجموع میانگین ترس از جرم در ناحیه ۱۳ شهر کابل (از حداقل ۲ تا حداکثر ۵) ۳/۴۳ بوده است. از این میان ۷/۰ درصد پاسخگویان ترس خود را خیلی زیاد، ۳۷/۲ درصد زیاد، ۴۴/۹ درصد متوسط و ۹/۱ درصد کم گزارش داده‌اند، اما گزینه خیلی کم را هیچ‌یک از آنان انتخاب نکردند و نیز بیشترین احساس امنیت خود را بیرون رفتن از خانه در طول روز به تنهایی اعلام کردند.

پاسخگویان در طول پنج سال گذشته میزان بزه‌دیدگی خود و نیز اعضای خانواده، دوستان و آشنایان خود را به ترتیب کیف‌قاپی ۲۹/۱ درصد، کتک خوردن توسط افراد ناشناس ۲۴/۹ درصد، مزاحمت خیابانی ۲۲/۸ درصد، توهین ۲۱/۴ درصد، زورگیری ۱۴/۴ درصد، سرقت اتومبیل ۱۳/۰

۱. موتر.

۲. در اینجا منظور از تعدی و تجاوز، دست‌درازی به مال و حقوق دیگران است.

درصد، سرقت از منزل ۹/۵ درصد، تعدی و تجاوز ۳/۵ و سایر جرائم را ۱۰/۲ اعلام کردند. همچنین پاسخگویان به ترتیب احتمال بزه‌دیدگی خود را در طول ده سال آینده (از حداقل ۱ و حداکثر ۵) بیشتر از سرقت وسیله نقلیه با میانگین ۳/۶۴، دزدی، کیف‌قاپی و سرقت ۳/۵۴، توهین ۳/۴۷، سرقت خانه ۳/۱۸، آزار و اذیت خیابانی ۳/۱۴، راهزنی ۲/۹۰، آدم‌ربایی ۲/۷۴، کلاه‌برداری ۲/۷۳، حمله توسط افراد ناشناس مسلح ۲/۷۲، وارد شدن افراد به زور در داخل خانه ۲/۷۱، به قتل رسیدن ۲/۴۵ و تجاوز یا حمله جنسی ۲/۲۱ اعلام کردند.

شاخص کل بزه‌دیدگی (از حداقل ۱ تا حداکثر ۵) ۳/۴۱ بوده، که حاکی از بالا بودن آن در میان ساکنان ناحیه ۱۳ است. بدین ترتیب که ۴/۶ درصد در حد خیلی زیاد، ۴۰/۴ درصد در حد زیاد، ۴۷/۰ درصد در حد متوسط، ۶/۳ درصد در حد کم و ۱/۱ درصد خیلی کم بزه‌دیده واقع شده‌اند.



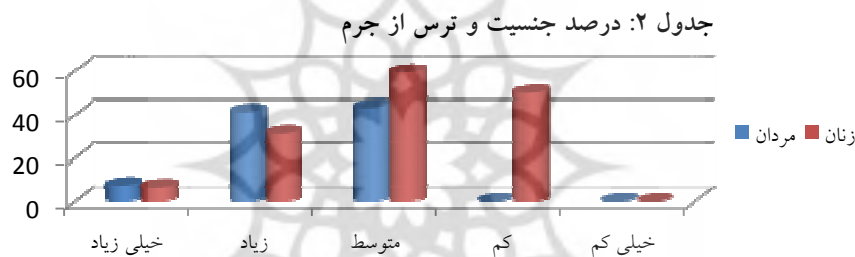
۳.۳. تحلیل متغیرهای مداخله‌گر در ترس از جرم

متغیرهای مؤثر بر ترس از جرم عبارت‌اند از: سن، جنسیت، وضعیت تأهل، درآمد، تحصیلات، بی‌سازمانی اجتماعی، بزه‌دیدگی، نقش رسانه‌ها، عملکرد پلیس و پیوند محله‌ای، که در زیر هر یک جداگانه بررسی می‌شود.

۳.۳.۱. جنسیت و ترس

یکی از عوامل دخیل در ترس از جرم، جنسیت افراد است. تحقیقات نشان می‌دهد که جنسیت در ارتباط مستقیم با ترس از جرم قرار دارد. بدین مفهوم که زنان بنابر خصیصه‌های روحی، روانی، فیزیولوژی، مشاهدات و تجارب شخصی بیشتر از مردان می‌ترسند (نیکوکار و همت‌پور، پیشین: ۱۰۳؛ Chih-Ping, 2018: 27). برای مثال از نظر فیزیولوژی زنان در جرائم خیابانی، خشونت‌های خانگی و کیف‌قاپی از لحاظ جسمانی توانایی دفاع از خود را ندارند (عبداللهی و یوسفی مراغه، ۱۳۹۱: ۱۵۵). افزون‌بر این حضور کم زنان در فعالیت‌های اجتماعی در جوامع سنتی می‌تواند

عامل مهمی در ترس آنان به حساب آید که در نتیجه آن، زنان خیلی زیاد مایل به گزارش ترس خود هستند، ولی مردان بیشتر ترس خود را پنهان و سرکوب می‌کنند. داده‌های این پژوهش نیز نشان می‌دهد که زنان نسبت به مردان بیشتر می‌ترسند. چنانکه زنان بیش از ۳۸ درصد ترس خیلی زیاد و زیاد را تجربه کرده‌اند و نیز مردانی که ترس خیلی زیاد و زیاد داشته‌اند، با میزان ۴۹ درصد بیشتر از زنان بوده است. در مجموع ترس از جرم در میان زنان بیشتر از مردان بود، به این صورت که میانگین ترس از جرم (از حداقل ۱ و حداکثر ۵) در مردان ۲/۹۵ و در زنان ۳/۱۹ بود و نیز میزان بزه‌دیدگی (از حداقل ۱ و حداکثر ۵) در مردان ۲/۹۴ و در زنان ۳/۲۶ گزارش شده است.



پاسخگویان مرد و زن بیشترین احساس ترس خود را از بیرون رفتن از خانه در طول شب و روز به صورت تنهایی و بیشترین نگرانی خود را از وقوع اینکه کسی به زور وارد خانه آنها شوند، به قتل رسیدن، تجاوز جنسی و آدم‌ربایی گزارش کرده‌اند.

۲.۳.۳. وضعیت تأهل و ترس

وضعیت تأهل به‌عنوان متغیر دخیل بر ترس از جرم با سایر متغیرها مانند سن، جنسیت و... اختلاف عظیمی ندارد. ولی تحقیقات نشان می‌دهد از این نظر ترسناک‌ترین افراد، پیرمردها و زنانی هستند که هرگز ازدواج نکرده‌اند (Megerson, 1997: 46). چنانکه با افزایش درصد ازدواج در یک محله، ترس از جرم نیز کاهش می‌یابد (Hanley & Ruppner, 2015: 281). در مجموع با توجه به نتایج نظریات مختلف می‌توان گفت که زنان مجرد نسبت به زنان متأهل ترس بیشتری دارند.

طبق داده‌های پژوهش افراد مجرد بیشتر از ۵۳ درصد، افراد مطلقه ۱۰۰ درصد و افراد بیوه ۵۰ درصد ترس زیاد و خیلی زیاد را تجربه کرده‌اند، و نیز افراد متأهل که ترس زیاد و خیلی زیاد داشته‌اند، با میزان بیش از ۳۸ درصد کمتر از سایر گروه‌ها بوده است. در مجموع میزان ترس از

جرم در افراد مجرد با میانگین ۲/۸۹، افراد متأهل ۳/۱۱ و افراد مطلقه ۲/۶۹ کمتر از افراد بیوه با میانگین ۳/۲۳ گزارش شده است.

۳.۳.۳. سن و ترس

یکی از عوامل دخیل در ترس از جرم، سن افراد است. رابطه ترس از جرم و سن، یکسویه نیست. توضیح اینکه، در ابتدا رابطه سن و ترس از جرم به صورت معکوس است، یعنی در ابتدای زندگی هرچه به سن و بالتبع قوای فیزیکی و شناختی فرد افزوده می‌شود، ترس از جرم کم خواهد شد. اما، پس از ورود فرد به عرصه کهنسالی، رابطه سن و ترس از جرم مستقیم خواهد شد و با افزایش سن، به دلیل ضعف قوای فیزیکی و احتمالاً عقلی، میزان ترس از جرم نیز افزایش می‌یابد؛ پژوهشگران متعددی در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند (Megerson, Op. Cit, 33 & Ollenburger, 1979: 84). عوامل سنی که موجب افزایش ترس از جرم می‌شوند عبارت‌اند از:

الف) افراد کهنسال به دلیل آسیب‌پذیری بیشتر (به‌ویژه عدم دفاع از خود) یا به دلیل چابک نبودن و ناتوانی جسمی و نیز فرار از نزد مهاجمان برای آنان دشوار است، در سطح بالای ترس از جرم قرار دارند (Skogan, 1978: 10; Megerson, Op. Cit, 34).

ب) انزوا و تحولات اجتماعی؛ بدین توضیح که پس از بازنشستگی شغلی، تعاملات و روابط اجتماعی افراد کهنسال کاهش می‌یابد و تا حدودی از جامعه منزوی می‌شوند یا سالمندان نمی‌توانند همگام با فناوری‌های جدید حرکت کنند. برای مثال بیشتر سالمندان توانایی کار با اینترنت، انجام پرداخت‌های الکترونیکی و... را ندارند (پاک‌نهاد، ۱۳۹۲: ۱۶۸). در مقابل برخی پژوهشگران از جمله لاگرانژ و فرارو معتقدند که ترس از جرم در سالمندان نسبت به جوانان کمتر است. اما هنگامی که جرمی دیگری را معیار قرار دهیم، ممکن است افراد سالمند ترس بیشتری داشته باشند. برای مثال اگر تحقیق ما درباره جرم سرقت باشد، در این صورت ترس سالمندان بیشتر است، اما اگر همین پژوهش را در خصوص جرم تجاوز جنسی انجام دهیم، میزان ترس جوانان بیشتر است (سیدزاده ثانی، ۱۳۹۲: ۱۲۷).

بر مبنای یافته‌های این پژوهش نیز میزان ترس از جرم در افراد کهنسال بالا گزارش شده است. چنانکه گروه سنی ۳۱-۴۰ سال، بیش از ۳۴ درصد، گروه سنی ۴۱-۵۰، ۳۱ درصد و گروه سنی ۱۸-۳۰ با بیش از ۵۳ درصد ترس زیاد و خیلی زیاد را تجربه کرده‌اند. اما گروه سنی ۵۰ سال به بالا که ترس زیاد و خیلی زیاد داشته‌اند، با میزان بیش از ۶۲ درصد بیشتر از سایر گروه‌ها بوده است. در مجموع میزان ترس از جرم در افراد ۵۰ سال به بالا با میانگین ۳/۵۸ و افراد ۱۸-۳۰ سال

با میانگین ۳/۵۷ بیشتر از افراد ۳۱-۴۰ سال با میانگین ۳/۲۷ و افراد ۴۱-۵۰ سال با میانگین ۳/۲۸ گزارش شده است.

۴.۳.۳. تحصيلات و ترس

تحقیقات نشان می‌دهد که رابطه سطح سواد با ترس از جرم رابطه یکسویه نیست. بدین مفهوم که نخست رابطه میزان سواد با ترس از جرم رابطه مستقیم است، یعنی هرچه سطح سواد افراد بالا برود، به همان میزان ترس بیشتری از جرم دارند. نشانه‌های آن بیکاری در جامعه و عدم کنترل بیکاران یا سایر عوامل بیرونی تأثیرگذار بر جامعه است (Megerson, Op. Ci, 44). اما دیدگاه معقول این است که رابطه میزان سواد با ترس از جرم رابطه معکوس است، یعنی هرچه سطح سواد افراد بالا رود، ترس کمتری از جرائم دارند، زیرا با توجه به میزان تحصيلات بیشتری که دارند، توانایی آن را خواهند داشت تا از موقعیت‌هایی جرم‌زا اجتناب کنند. برای مثال در محله‌هایی که بی‌نظمی فیزیکی زیادی مانند خانه‌های مخروبه و... وجود دارد، زندگی و گشت و گذار نکنند.

براساس نتایج این پژوهش افراد دیپلم بیش از ۲۶ درصد، افراد لیسانس بیش از ۴۹ درصد، افراد فوق‌لیسانس بیش از ۴۱ درصد و افراد دکتری بیش از ۴۲ درصد ترس زیاد و خیلی زیاد را تجربه کرده‌اند و نیز افراد زیر دیپلم که ترس زیاد و خیلی زیاد داشته‌اند، با میزان بیش از ۵۲ درصد، بیشتر از سایر گروه بوده است. در مجموع میزان ترس از جرم در افراد دیپلم با میانگین ۳/۴۲، بیشتر از افراد زیر دیپلم با میانگین ۲/۸۹، افراد لیسانس با میانگین ۲/۹۸، افراد فوق‌لیسانس با میانگین ۳/۰۷ و افراد دکتری با میانگین ۳/۰۵ گزارش شده است.

۵.۳.۳. پایگاه اقتصادی و ترس

تحقیقات نشان می‌دهد که فقرا بیشتر از ثروتمندان ترس از جرم را تجربه می‌کنند، زیرا نابرابری اقتصادی نوعی خشونت «ساختاری» است که از طریق شکاف زیاد در درآمد ناشی می‌شود. این شکاف درآمدی دستیابی افراد فقیر را برای موفقیت‌های اجتماعی دشوار می‌کند. برای مثال آنها نمی‌توانند تحصيلات خوب، خانه‌های خوب و مشاغل خوب داشته باشند. در نتیجه پاسخ به این شکل از تحقیر، خشونت است که به نوبه خود موجب ترس از جرم در جامعه می‌شود (Melanie Vauclair & Bratanova, 2016: 3). با جمع‌بندی این تحقیقات می‌توان به این نتیجه رسید که اولاً افراد ثروتمند به دلیل وضعیت مالی خوب در معرض احساس ترس از جرم بالایی قرار دارند، ولی به علت جایگاه اجتماعی و نیز اتخاذ تدابیر پیشگیرانه احتمال بزه‌دیدگی خویش را کاهش داده و نسبت به افراد فقیری ترس پایین‌تری از خود بروز می‌دهند. ثانیاً ترس افراد فقیر ناشی از بی‌نظمی

فیزیکی بالای محیط زندگی آنها (روشنایی ناکافی، ساختمان‌های مخروبه و نیمه‌ساخته و...) است. بنابراین افرادی که در این‌گونه محلات زندگی می‌کنند، به دلیل بالا بودن نرخ جرائم ممکن است بخواهند از وسایل و تدابیر امنیتی بیشتری برای خود استفاده کنند، اما توان مالی کافی برای خرید چنین ابزاری را ندارند، که این خود سبب افزایش ترس آنان می‌شود.

داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که افراد فقیر بیش از ۳۲ درصد، افراد خیلی فقیر بیش از ۵۱ درصد و افرادی دارای اقتصاد متوسط بیش از ۴۴ درصد ترس زیاد و خیلی زیاد را تجربه کرده‌اند و نیز افراد ثروتمند و خیلی ثروتمند که ترس خیلی زیاد و زیاد داشته‌اند، به ترتیب با میزان بیشتر از ۵۳ و ۶۰ درصد بیشتر از سایر گروه‌ها است. در مجموع میزان ترس از جرم در افراد خیلی فقیر با میانگین ۲/۹۴، افراد دارای اقتصاد متوسط با میانگین ۳/۰۶، افراد ثروتمند با میانگین ۳ و افراد خیلی ثروتمند با میانگین ۲/۷۱ کمتر از افراد فقیر با میانگین ۳/۱۵ گزارش شده است.

۳.۴. عوامل مؤثر بر ترس از جرم

عوامل مؤثر بر ترس از جرم عبارت‌اند از: بی‌سازمانی اجتماعی، بزه‌دیدگی، رسانه‌ها، عملکرد پلیس و روابط محله‌ای.

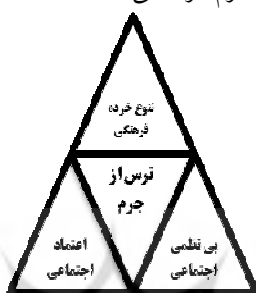
نمودار ۱. مدل نظری^۱



۱. خلاصه مدل نظری عوامل مؤثر بر ترس از جرم از نظر نویسندگان.

۱. ۴. ۳. بی‌سازمانی اجتماعی

بی‌سازمانی اجتماعی اختلال در الگوها و سازوکارهای موجود در واکنش‌های افراد جامعه است (نیکوکار و همت‌پور، پیشین: ۱۳۰). این رویکرد تنوع خرده‌فرهنگی، بی‌نظمی اجتماعی و نگرانی اجتماعی را در سه ضلع مثلث ترس از جرم قرار می‌دهد.



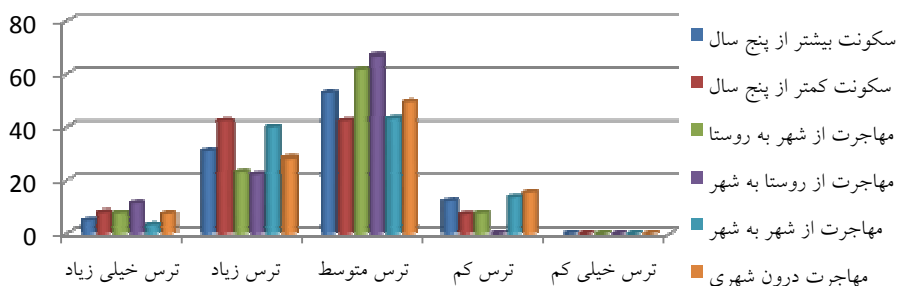
۱. ۴. ۳. تنوع خرده‌فرهنگی

تحقیقات نشان می‌دهد در محله‌هایی که در آنها تنوع قومی و نژادی متعددی وجود دارد و اقوامی که بدون در نظر داشتن پیوند کلی اجتماع از آداب و رسوم خاص خود پیروی می‌کنند، ترس بیشتری از جرم دارند (علیخواه و ربیعی، ۱۳۸۵: ۱۱۷). لین^۱ و میکر^۲ نیز متعقدند که از لحاظ تنوع خرده‌فرهنگی، افرادی که نزدیک به دیگران (که از نظر زمینه‌های نژادی، قومی و فرهنگی متفاوت‌اند) زندگی می‌کنند، به دلیل اینکه سبک زندگی و فرهنگ آنان را درک نمی‌کنند، ترس بالایی از جرم دارند (گیلانی، ۱۳۸۷: ۲۲). بنابراین تنوع خرده‌فرهنگی سبب ترس بیشتر در افراد می‌شود.

داده‌ها نشان می‌دهد افراد دارای سکونت بیش از پنج سال با میزان بیش از ۵۰ درصد بیشتر از افراد دارای کمتر از پنج سال سکونت، ترس زیاد و خیلی زیاد را تجربه کرده‌اند. افرادی که مهاجرتشان از شهر به روستا بوده، بیش از ۳۰ درصد، افراد که مهاجرتشان درون‌شهری بوده، بیش از ۳۵ درصد و افرادی که مهاجرتشان از روستا به شهر بوده، بیش از ۳۳ درصد، ترس زیاد و خیلی زیاد داشتند و نیز افراد با مهاجرت شهر به شهر با میزان بیش از ۴۳ درصد، بیشتر از سایر افراد ترس زیاد و خیلی زیاد را تجربه کرده‌اند.

1. Lane
2. Meeker

جدول شماره ۳. رابطه تنوع خرده فرهنگی و میزان ترس



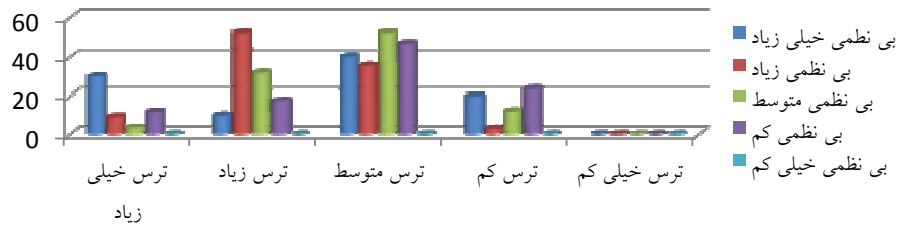
در مجموع میزان ترس از جرم در افراد دارای سکونت بیشتر از پنج سال با میانگین ۳/۱۷ بیشتر از افراد دارای سکونت کمتر از پنج سال با میانگین ۲/۹۷ گزارش شده است. همچنین میزان ترس مهاجرت از روستا به شهر با میانگین ۲/۹۹، مهاجرت از شهر به روستا با میانگین ۳/۰۵، مهاجرت از شهر به شهر با میانگین ۰/۰۳ و مهاجرت درون شهری با میانگین ۳/۲۵ اعلام شده است.

۳.۴.۱.۲. بی‌نظمی اجتماعی

تحقیقات نشان می‌دهد که رابطه معناداری میان بی‌نظمی و ترس از جرم وجود دارد، یعنی هرچه بی‌نظمی در دو مدل فیزیکی و اجتماعی در یک محل بالا برود، به همان میزان ترس از جرم در افراد افزایش می‌یابد (Crank & Comazzi, 2003: 251). بی‌نظمی اجتماعی شامل پرسه‌زنی در خیابان‌ها، مستی و عربده‌کشی، استفاده از مواد مخدر، تکدی‌گری و... می‌شود، درحالی‌که بی‌نظمی فیزیکی شامل خانه‌های مخروبه و نیمه‌ساخته، دیوارنبنشته‌ها و... می‌شود (Ferguson & Mindel, 2007: 322). بنابراین هر دو نوع از بی‌نظمی نشان‌دهنده ازهم‌گسیختگی نظم اجتماع و بی‌توجهی به محیط پیرامون است که در نتیجه سبب ترس از جرم در افراد می‌شود.

براساس یافته‌های پژوهش افرادی که بی‌نظمی اجتماعی را در ناحیه ۱۳ کم می‌دانند، بیش از ۲۹ درصد، افراد که بی‌نظمی را متوسط می‌دانند، بیش از ۳۵ درصد و افرادی که بی‌نظمی را خیلی زیاد می‌دانند، ۴۰ درصد، ترس زیاد و خیلی زیاد دارند. اما افرادی که بی‌نظمی اجتماعی را در این ناحیه زیاد می‌دانند، با بیش از ۶۱ درصد بیشتر از سایر گروه ترس خیلی زیاد و زیاد را تجربه کرده‌اند.

جدول شماره ۴: رابطه بی‌نظمی و میزان ترس از

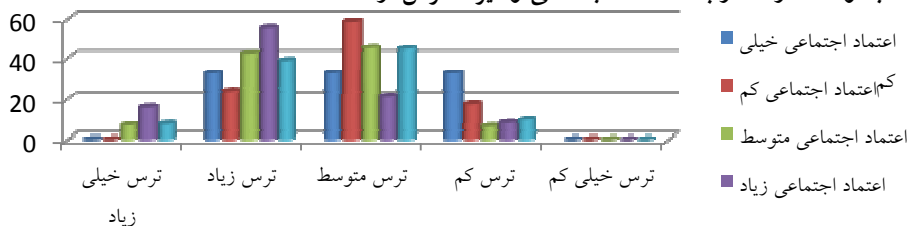


در مجموع میانگین میزان ترس از جرم در افرادی که بی‌نظمی اجتماعی را متوسط می‌دانند، ۳/۱۸، در افرادی که بی‌نظمی اجتماعی را کم می‌دانند ۳/۲۱، در افرادی که بی‌نظمی را زیاد می‌دانند ۲/۸۳ و در افرادی که بی‌نظمی را خیلی زیاد می‌دانند، ۲/۸۹ گزارش شده است.

۳.۱.۴. اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی نیز یکی از متغیرهای ارتباط‌دهنده بی‌نظمی و ترس از جرم است. کانکلین، کاوینگتن و تیلور متعقدند که وقتی مردم نشانه‌های بی‌نظمی اجتماعی را می‌بینند و حس می‌کنند که قبلاً اوضاع این‌گونه نبوده، پس نگران می‌شوند و ترس در آنها شکل می‌گیرد (به نقل از صدیق سروستانی و نصر اصفهانی، ۱۳۹۱: ۱۵۳). همچنین هنگامی که افراد نشانه‌های بی‌نظمی را مشاهده می‌کنند، به این نتیجه می‌رسند که اجتماعشان رو به زوال می‌رود؛ موضوعی که خود به افزایش ترس از جرم منجر می‌شود (عبدالملکی، ۱۳۹۵: ۶۳ و ۶۴). در نتیجه اعتماد اجتماع متغیری مداخله‌گر بین بی‌نظمی و ترس و پیش‌بینی‌کننده مستقیم و معنادار افزایش ترس است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که پاسخگویان دارای اعتماد اجتماعی کم و خیلی کم بیش از ۵۷ درصد و افراد دارای اعتماد اجتماعی متوسط بیش از ۴۸ درصد، ترس زیاد و خیلی زیاد داشته‌اند و نیز افرادی دارای اعتماد اجتماعی زیاد و خیلی با میزان بیش از ۷۰ درصد، ترس زیاد و خیلی زیاد را بیشتر از دیگران تجربه کرده‌اند.

جدول شماره ۵: رابطه اعتماد اجتماعی و میزان ترس از

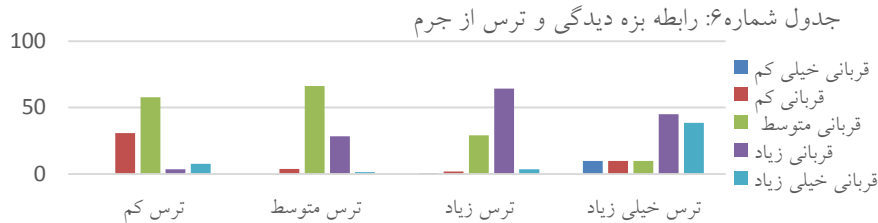


در مجموع میانگین میزان ترس از جرم در افراد دارای اعتماد اجتماعی خیلی زیاد ۲/۳۰، در افراد دارای اعتماد اجتماعی زیاد ۲/۷۴، در افراد دارای اعتماد اجتماعی متوسط ۳/۰۲، در افراد دارای اعتماد اجتماعی کم ۳/۳۳ و در افراد دارای اعتماد اجتماعی خیلی کم ۳/۳۹ گزارش شده است.

۳.۴.۲. بزه‌دیدگی (قربانی شدن)^۱

یکی از عواملی که نقش مهمی در افزایش ترس از جرم دارد، سابقه بزه‌دیدگی است (Scott, 2003) که پژوهشگران آن را به بزه‌دیدگی مستقیم و غیرمستقیم تقسیم کرده‌اند. میان بزه‌دیدگی مستقیم و ترس از جرم ارتباط مستقیم وجود دارد؛ یعنی هرچه میزان بزه‌دیدگی افراد بالا برود، به همان میزان ترس آنان نیز افزایش می‌یابد. در بزه‌دیدگی مستقیم میزان ترس از جرم با توجه به اینکه افراد قبلاً قربانی چه نوع جرمی بوده‌اند، متفاوت است؛ یعنی هرچه جرمی که فرد قربانی آن شده، شدیدتر باشد، به همان اندازه ترس از جرم نیز افزایش می‌یابد و برعکس. برای مثال قربانی سرقت‌های مسلحانه ترس بالایی از قربانی شدن مکرر دارند؛ زیرا این جرائم همراه با آزار و اذیت و با استفاده از سلاح ارتکاب می‌یابند (عبدلهی و یوسفی مراغه، ۱۳۹۱: ۱۵۸). در مقابل میان بزه‌دیدگی غیرمستقیم فرد ملاک اصلی ترس نیست، بلکه آگاهی از میزان جرائم و قربانیان جرائم و... در افزایش ترس از جرم مؤثر است (سیدزاده و کرمانی، ۱۳۹۳: ۱۳۳).

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در طول پنج سال گذشته افرادی که خیلی کم و کم قربانی واقع شده‌اند، بیش از ۱۱ درصد و افرادی که به‌طور متوسط قربانی شده‌اند، بیش از ۲۹ درصد، ترس زیاد و خیلی زیاد را تجربه کرده‌اند. اما افرادی که زیاد و خیلی زیاد مورد قربانی واقع شده‌اند، با بیش از ۶۴ درصد، ترس زیاد و خیلی زیاد را نسبت به دیگران تجربه کرده‌اند.



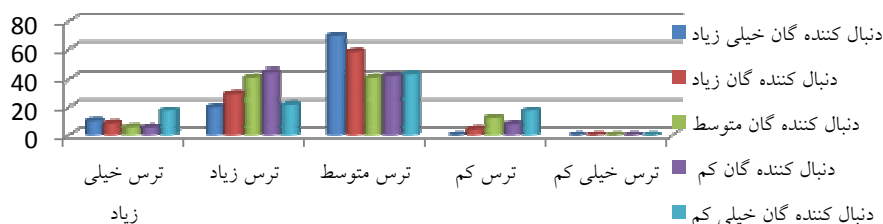
در مجموع میانگین ترس از جرم در افراد قربانی خیلی کم ۴/۶۷، در افراد قربانی کم ۲/۸۸، در افراد قربانی متوسط ۳/۱۵، در افرادی قربانی زیاد ۳/۷۵ و در افرادی که خیلی زیاد قربانی شده‌اند، ۳/۹۲ گزارش شده است. بنابراین در این پژوهش بین ترس از جرم و بزه‌دیدگی رابطه مستقیم وجود ندارد، بلکه آگاهی از میزان جرائم و قربانیان جرائم در ترس افراد مؤثر واقع شده است.

۳.۴.۳. رسانه‌ها

یکی از اهداف رسانه‌ها آن است که آمار جرائم را به اطلاع جامعه برسانند، اما این رسالت پیامدهای مثبت و منفی خواهد داشت. پیامدهای مثبت آن این است که مردم را از آمار جرائم آگاه می‌کند و آنان را در جهت ممانعت از جرم آموزش می‌دهند. اما گاهی رسانه‌ها ترس غیرعقلانی و بی‌موردی را از طریق افراط در پوشش نمایشی جرم (معمولاً جرائم خشونت‌آمیز) ایجاد می‌کنند که سبب ایجاد ترس در مردم می‌شوند (رحمتی، ۱۳۸۹: ۳۳). در نتیجه این بزرگ‌نمایی رسانه‌ها از جرائم موجب تشویش افکار جامعه و افزایش ترس از جرم می‌شود.

پاسخگویان این پژوهش، رسانه‌ها را ۴۱/۱ درصد زیاد و ۵۸/۶ درصد کم دنبال می‌کنند. از این جمع ۲۹۱/۱ درصد آنان نیم ساعت، ۲۴/۲ درصد یک ساعت، ۲۰/۴ درصد سه ساعت و ۲۲/۸ درصد آنان بیش از سه ساعت اخبار و حوادث را دنبال می‌کنند. دنبال‌کنندگان خیلی کم بیش از ۳۹ درصد، دنبال‌کنندگان متوسط بیش از ۴۶ درصد، دنبال‌کنندگان بیش از ۳۷ درصد و دنبال‌کنندگان خیلی زیاد ۳۰ درصد، ترس زیاد و خیلی زیاد دارند و نیز دنبال‌کنندگان کم که ترس زیاد و خیلی زیاد داشته‌اند، با میزان ۵۰ درصد، بیشتر از سایر گروه‌هاست.

جدول شماره ۷: رابطه رسانه‌ها و میزان ترس از



در مجموع میزان ترس از جرم در دنبال‌کنندگان خیلی کم با میانگین $3/6$ و دنبال‌کنندگان متوسط با میانگین $3/8$ بیشتر از دنبال‌کنندگان کم با میانگین 3 ، دنبال‌کنندگان زیاد با میانگین $3/05$ و دنبال‌کنندگان خیلی زیاد با میانگین $3/03$ گزارش شده است.

۳.۴.۳. عملکرد پلیس

تحقیقات نشان می‌دهد که بین میزان عملکرد پلیس و ترس از جرم رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی افرادی که رضایت بیشتری از عملکرد پلیس دارند، در حقیقت ترس کمتری از جرم داشته‌اند و برعکس افرادی که از عملکرد پلیس رضایت کمتری دارند، در واقع ترس بیشتری از جرم داشته‌اند (علیخواه و ربیعی، ۱۳۸۵: ۱۲۵)؛ در نتیجه عملکرد پلیس در کاهش و افزایش ترس شهروندان نقش مهم و مؤثری دارد.

پاسخگویان این پژوهش عملکرد پلیس را $62/5$ درصد خوب و $36/8$ درصد ضعیف دانسته و نیز حضور آنان را در محل $55/8$ درصد مثرتر گزارش کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد، افرادی که عملکرد پلیس را خوب و خیلی خوب می‌دانند، بیش از 42 درصد ترس زیاد و خیلی زیاد دارند. اما افرادی که عملکرد پلیس را ضعیف و خیلی ضعیف می‌دانند، با میزان بیش از 48 درصد، بیشتر از گروه اول ترس زیاد و خیلی زیاد را تجربه کرده‌اند. پاسخگویانی که حضور پلیس را در محل ثمربخش می‌دانند، بیش از 41 درصد ترس زیاد دارند. اما افرادی که حضور پلیس را ثمربخش نمی‌دانند، با میزان بیش از 48 درصد بیشتر از افرادی که مفید می‌دانند، ترس زیاد و خیلی زیاد را تجربه کرده‌اند.

جدول شماره ۸: رابطه بی نظمی و میزان ترس از



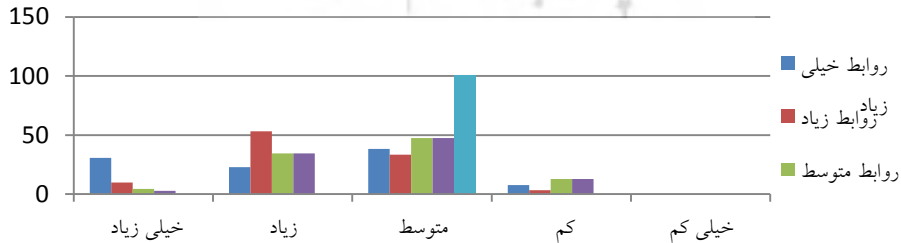
در مجموع میزان ترس از جرم افرادی که عملکرد پلیس را خوب می‌دانند، با میانگین ۳/۰۱، افرادی که عملکرد آنان را ضعیف می‌دانند با میانگین ۳/۱۰، آنانی که حضور پلیس را مثرتر می‌دانند با میانگین ۳/۰۱ و آنانی که حضور پلیس را در محل مثرتر نمی‌دانند، با میانگین ۳/۰۷ گزارش شده است.

۳.۴.۵. روابط محله‌ای

تحقیقات نشان می‌دهد که بین پیوند محله‌ای و ترس از جرم رابطه معکوس وجود دارد؛ یعنی هرچه ارتباطات بین همسایگان کم شود، ترس آنان افزایش می‌یابد و برعکس هرچه ارتباطات میان همسایگان زیاد شود، به همان اندازه ترس آنان کاهش می‌یابد (Fischer, 1982: 70 & Merry, 1981: 38). بنابراین ساکنان که فاقد هر نوع پیوند محله‌ای هستند، احساس ترس بیشتری دارند.

داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که افراد دارای روابط محله‌ای کم بیش از ۲۵ درصد، افراد دارای روابط محله‌ای متوسط بیش از ۳۹ درصد، افراد دارای روابط محله‌ای خیلی زیاد بیش از ۵۳ درصد، ترس زیاد و خیلی زیاد دارند و نیز افراد دارای روابط محله‌ای زیاد که ترس زیاد و خیلی زیاد داشتند، با میزان بیش از ۶۳ درصد بیشتر از سایر افراد است.

جدول شماره ۹: رابطه روابط محله‌ای و میزان



در مجموع میزان ترس از جرم در افراد دارای روابط محله‌ای خیلی زیاد با میانگین ۲/۶۷، افراد دارای روابط محله‌ای زیاد با میانگین ۲/۸۲، افراد دارای روابط محله‌ای متوسط ۳/۱۴ و افراد دارای

روابط محله خیلی کم با میانگین ۳/۲۹ گزارش شده است و نیز افرادی دارای روابط محله‌ای کم با میانگین ۳/۳۵ بیشتر از سایر گروه‌ها ترس را تجربه کرده‌اند.

جدول ۱۰. میانگین ترس و سایر متغیرها					
سن		سال ۱۸-۳۰	سال ۳۱-۴۰	سال ۴۱-۵۰	۵۰ سال به بالا
وضعیت تأهل		مجرد	متأهل	مطلقه	بیوه
عملکرد و مؤثر بودن پلیس		خوب	ضعیف	مثمر	عدم مثمر
تحصیلات		زیر دیپلم	دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس
پایگاه اقتصادی		خیلی فقیر	فقیر	متوسط	ثروتمند
بی‌نظمی اجتماعی		خیلی کم	کم	متوسط	خیلی زیاد
رسانه		دنبال کنندگان خیلی کم	دنبال کنندگان کم	دنبال کنندگان متوسط	دنبال کنندگان خیلی زیاد
اعتماد اجتماعی		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد
روابط محله‌ای		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد
تنوع خرده‌فرهنگی		مهاجرت درون شهری	مهاجرت شهر به شهر	مهاجرت از شهر به روستا	مهاجرت از روستا به شهر

نتیجه

این پژوهش تلاشی بود تا اینکه با استفاده از نظریات صاحب‌نظران درباره ترس از جرم به بررسی پیمایشی این پدیده در ناحیه ۱۳ شهر کابل پردازیم. برای آزمون وجود رابطه میان متغیر ترس از جرم با دیگر متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که جدول ۱۰ ارتباط میان متغیرها و ترس از جرم را نشان می‌دهد و هر کدام در ذیل به صورت مفصل بررسی شده است.

جدول ۱۱. نتایج آزمون همبستگی پیرسون میان متغیر ترس از جرم و سایر متغیرها

آماره‌ها	بی‌نظمی اجتماعی	رسانه‌ها	عملکرد پلیس	تنوع خرده‌فرهنگی	اعتماد محله‌ای	تعلق محله‌ای
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۶۴**	-۰/۰۳۶	-۰/۲۲۹**	۰/۲۱۰**	۰/۳۵۳**	۰/۲۷۵**
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۵۵۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
تعداد	۲۷۸	۲۸۰	۲۸۱	۲۸۱	۲۸۱	۲۷۹

داده‌های این پژوهش نشان داد که مجموع میانگین ترس از جرم در ناحیه ۱۳ شهر کابل از (حداقل ۱ و حداکثر ۵) ۳/۴۳ بوده و ساکنان این ناحیه بیشترین احساس امنیت را در گشت و گذار خارج از منزل در طول روز اعلام کرده‌اند. براساس آزمون ANOVA بین جنسیت و ترس از جرم با آماره F ۵/۲۱۲ و سطح معناداری ۰/۰۲۳ در ناحیه ۱۳ شهر کابل رابطه معنادار وجود داشت که این موضوع با چارچوب نظری تحقیق و نتایج تحقیقات لی چی پنگ همسوست، زیرا در این ناحیه میزان ترس از جرم در زنان بیشتر از مردان گزارش شده است. براساس آزمون ANOVA میان متغیر سن و ترس از جرم با آماره F ۳/۹۶۰ و سطح معناداری ۰/۰۰۹ رابطه مثبت وجود داشت که این موضوع با نتایج تحقیقات گارفالو، جفره، دونلی و اسکوگان همسوست، زیرا در این ناحیه افراد هرچه پیرتر می‌شوند، ترس از جرم در آنان افزایش می‌یابد. در تبیین این موضوع می‌توان گفت که افراد کهنسال به دلایل آسیب‌پذیری، انزوای اجتماعی و همگام نبودن با فناوری‌های جدید، بیشتر از جوانان می‌ترسند. براساس داده‌های تحقیق افراد دارای تحصیلات کم ترس بیشتری از جرم نسبت به افرادی دارای تحصیلات عالی داشتند. همچنین طبق آزمون ANOVA میان متغیر میزان تحصیلات و ترس از جرم با آماره F ۲/۲۲۴ و سطح معناداری ۰/۰۵۲ رابطه معنادار برقرار بود، که همسو با تحقیقات دونلی نیست. دونلی معتقد بود که افراد دارای تحصیلات عالی به دلیل بیکاری ترس بیشتری از جرم دارند. اما دیدگاه معقول همان است که افراد دارای تحصیلات کم نسبت به افراد دارای تحصیلات عالی ترس بیشتری دارند.

طبق داده‌های پژوهش و آزمون ANOVA بین وضعیت تأهل و ترس از جرم با آماره F ۲/۰۰۹ و سطح معناداری ۰/۱۱۳ رابطه ضعیف وجود داشت که با نتایج تحقیق برونگارت و همکاران

همسوست؛ یعنی در ناحیه ۱۳ شهر کابل ترس از جرم افراد مطلقه و بیوه و مجردها نسبت به متأهلان بیشتر است و بدون شک با ازدواج آنان میزان ترسشان کاهش خواهد یافت. براساس آزمون ANOVA بین پایگاه اقتصادی و ترس از جرم با آماره $F(1/588)$ و سطح معناداری $0/077$ رابطه مثبت برقرار بود که نتایج آن با نتایج تحقیق ویلکینسون، پیکت و آکرز همسوست؛ یعنی در ناحیه ۱۳ شهر کابل فقرا بیشتر از ثروتمندان می‌ترسند، زیرا این ناحیه از بی‌نظمی فیزیکی بالایی برخوردار بوده، همچنین از روشنایی کافی برخوردار نیست. بنابراین ساکنان این ناحیه ممکن است بخواهند از تدابیر امنیتی بیشتر استفاده کنند، اما فقیرند و توان خرید ابزار امنیتی را ندارند که این خود سبب ترس آنان می‌شود.

داده‌های پژوهش حاکی از آن است که بین ترس از جرم و بی‌نظمی اجتماعی با ضریب $0/264^{**}$ و سطح معناداری $0/000$ رابطه خیلی قوی وجود دارد؛ یعنی هرچه بی‌نظمی اجتماعی در ناحیه ۱۳ بالا برود، ترس از جرم نیز افزایش می‌یابد. این موضوع با نتایج تحقیقات بیشتر محققان از جمله کرانک، کمزی، فرکسون و مندل همسوست. بنابراین به دلیل بی‌نظمی اجتماعی زیادی که در بین ساکنان این ناحیه وجود دارد، احساس ترس از جرم در آنان بالاست. برای نمونه میزان خرید و فروش مواد مخدر، ولگردی، حضور افراد متکدی در این ناحیه خیلی زیاد است. داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین میزان ترس از جرم و رسانه‌ها با ضریب همبستگی $0/020$ و سطح معناداری $0/742$ رابطه معناداری وجود ندارد؛ یعنی در ناحیه ۱۳ شهر کابل رسانه‌ها نقشی در کاهش و افزایش ترس جرم افراد ندارند. تحقیقات نشان داده است که حضور پلیس در محل و رضایت از عملکرد آنان بر کاهش ترس از جرم شهروندان مؤثر است؛ یعنی هرچه نگرش به پلیس، مثبت‌تر باشد، ترس از جرم کمتر خواهد بود. داده‌های پژوهش نیز نشان می‌دهد که بین میزان ترس از جرم و عملکرد پلیس با ضریب همبستگی $0/249^{**}$ - و سطح معناداری $0/000$ رابطه معنادار خیلی قوی وجود دارد؛ یعنی هرچه در ناحیه ۱۳ شهر کابل میزان نارضایتی از عملکرد پلیس بالا رفته، به همان اندازه ترس افراد نیز افزایش یافته است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین ترس از جرم و بی‌نظمی اجتماعی با ضریب $0/264^{**}$ و سطح معناداری $0/000$ رابطه خیلی قوی برقرار است؛ یعنی هرچه بی‌نظمی اجتماعی در ناحیه ۱۳، افزایش یابد، ترس از جرم نیز افزایش پیدا می‌کند. این موضوع با نتایج تحقیقات فرکسون، مندل و گُمزی همخوانی دارد.

میان ترس از جرم و تنوع فرهنگی رابطه معنادار قوی با ضریب $0/210^{**}$ و سطح معنایی $0/000$ وجود داشت؛ یعنی با افزایش تنوع خرده‌فرهنگی در ناحیه ۱۳ ترس از جرم نیز افزایش پیدا کرده است، زیرا در این ناحیه تراکم جمعیت و مهاجرت بیش از حد وجود دارد و همسایگان

رفتارها، سبک زندگی و فرهنگ‌های هم‌دیگر را کمتر درک می‌کنند. داده‌ها نشان می‌دهد که بین رابطه اعتماد اجتماعی و ترس از جرم با ضریب $0/353^{**}$ و در سطح $0/000$ رابطه معنادار برقرار است. بدین مفهوم افرادی که اعتماد بالایی دارند، به همان اندازه احساس ترسشان کمتر است و برعکس. این موضوع با نتایج تحقیقات کانکلین، کاوینگتن و تیلور همسوست، زیرا نشانه‌های بی‌نظمی در این ناحیه، اعتماد اجتماعی ساکنان را نسبت به محل ضعیف ساخته و میزان ترس آنان را افزایش داده است.

با توجه به داده‌ها پژوهش می‌توان دریافت که بین رضایت از محل با احساس ترس از جرم رابطه قوی با ضریب همبستگی $0/275^{**}$ و سطح معناداری $0/000$ وجود دارد؛ یعنی هرچه میزان روابط محله‌ای ساکنان ناحیه ۱۳ بالا رفته، به همان اندازه احساس ترس از جرم آنان کمتر شده است. این موضوع با نتایج تحقیقات مری و فیشر همخوانی دارد، زیرا روابط محله‌ای ضعیف و بی‌اعتمادی بین هم‌محله‌ای‌ها در این ناحیه سبب شده که آنان ارتباطات کمتری داشته باشند، به همین دلیل میزان ترس از جرم در آنان بالاست.

پیشنهادها: برخی راهکارها مانند روشنایی پیاده‌روها، شناسایی محله‌های جرم‌زا (قهوه‌خانه و...)، حضور منظم پلیس در این ناحیه کابل و... تنها بخشی از مشکلات را حل می‌کند. راهبردهای اصلی کاهش ترس از جرم در این نقطه از شهر کابل عبارت‌اند از:

با توجه به میزان بالای ترس از جرم در ناحیه ۱۳ کابل ساکنان این ناحیه باید همکاری‌های لازم را با پلیس در راستای شناسایی عوامل مؤثر بر ترس از جرم داشته باشند و پلیس و سایر نهادهای مسئول باید از برنامه پیشگیری مؤثر و مفید استفاده کنند.

با توجه به اینکه در این پژوهش بیشترین میانگین ترس از جرم ناشی از نگرانی اجتماعی است، شهرداری ناحیه ۱۳، مدیران شهری و سایر نهادهای مسئول باید بر مسائل نظافت شهری، تخریب ساختمان‌های متروکه، بهبود محیط زیست و... متمرکز شوند.

با توجه به اینکه ساکنان ناحیه ۱۳ یکی از عوامل مؤثر ترس خود را روابط محله‌ای ضعیف گزارش کرده‌اند، در این راه از برنامه‌های مؤثر محلی، ظرفیت‌های جامعه مدنی و پاسخ‌های شهروندان کمک بگیریم.

در پژوهش حاضر با توجه به مشکلات موجود، تنها ناحیه ۱۳ شهر کابل مورد بحث قرار گرفت؛ با توجه به اینکه هیچ پژوهش میدانی در خصوص این موضوع در شهر کابل انجام نگرفته است، باید تحقیقات مکرر و اطلاعات دقیق‌تر به صورت پیمایشی در مورد ترس از جرم منتشر شده، داده‌ها به طور منظم برای شناسایی الگوها، عوامل مؤثر و سایر نکات جدی‌تر تجزیه و تحلیل

شوند تا میزان و عوامل مؤثر بر ترس از جرم در شهر کابل افغانستان به صورت شفاف‌تر و دقیق‌تری مشخص شوند.

منابع

الف) فارسی

۱. ابراهیم‌خیل، شکیلا (۱۳۹۹). ثبت بیش از ۲۸ هزار قضیه جنایی در جریان یک سال در افغانستان، دویچه له دری، <https://p.dw.com/p/3mJbn>
۲. احمدی، حبیب (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ویژگی‌های فردی، ساختار محله‌ای و ترس از جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز.
۳. احمدی، حبیب، مریم سروش و حسین افراسیابی (۱۳۸۸). «ترس از جرم در مناطق جرم‌خیز شهر شیراز»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۰، ش ۳۴، ص ۸۰-۶۵.
۴. پاک‌نهاد، امیر (۱۳۹۲). «احساس ناامنی و ترس از جرم»، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، (۵)، ص ۱۸۰-۱۵۵.
۵. پنج‌تنی، سید مهدی (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم: آزمون تجربی نظریه‌های اثربخشی جمعی و پنجره‌های شکسته، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه مازندران.
۶. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۱). لغت‌نامه فارسی دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. رحمتی، محمدمهدی (۱۳۸۹). ترس از جرم زنان در فضاهای عمومی شهر رشت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رشت.
۸. سیدزاده ثانی، مهدی؛ کرمانی، سعید (۱۳۹۲). «ترس از جرم در مشهد؛ میزان و عوامل»، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۴، ش ۲، ص ۱۱۹-۱۵۱.
۹. ----- (۱۳۷۸). «ترس از بزه‌دیدگی مکرر»، در مجموعه مقالات نخستین همایش پیشگیری از جرم: پیشگیری از تکرار جرم و بزه‌دیدگی، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، تهران، ص ۳۸۸-۳۵۵.
۱۰. شفایی، نازنین (۱۳۹۴). ناحیه ۱۳؛ خانه‌های بی‌نقشه و مشکل همیشگی جاده و زیاله، روزنامه اطلاعات روز، <https://www.etilaatroz.com/34139/>
۱۱. صدیق سروسستانی، رحمت‌الله؛ نصر اصفهانی، آرش (۱۳۹۱). «مطالعه عوامل مؤثر بر ترس از جرم در محله‌های شهری، مطالعه محله‌ای در منطقه ۵ شهر تهران»، دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران، دوره ۳، ش ۱، ص ۱۷۶-۱۴۹.
۱۲. طارق، محمداعظم (۱۳۹۶). «امنیت زنان در افغانستان و چالش‌های فراروی آن»، حارنوال، کابل، ۲۶، ص ۳۴-۱۴.
۱۳. عبداللهی، افشین؛ یوسفی مراغه، مهدی (۱۳۹۱). «ترس از جرم و واکنش در برابر آن»، علوم اجتماعی، کارآگاه، دوره ۵، ش ۲۰، ص ۱۶۹-۱۵۲.
۱۴. عبدالملکی، احمد (۱۳۹۵). تبیین پدیده ترس از جرم در شهر تهران، رساله دکترا، دانشگاه پیام نور.
۱۵. عشایری، طاها (۱۳۹۷). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر ترس از جرم در بین شهروندان شهر اردبیل، رساله دکترا، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه کاشان.

۱۶. عشایری، طاهما، الهام عباسی، علیرضا نطقی، محدثه آخوندزاده آرنانی و رمضانعلی نوری (۱۳۹۶). «عوامل مؤثر بر ترس زنان از جرم در فضای شهری»، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۱، پیاپی ۷۴، ۱۵۰-۱۲۵.
۱۷. علیخواه، فردین؛ نجیبی ربیعی، مریم (۱۳۸۵). «زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری»، رفاه اجتماعی، شماره ۲۲، ص ۱۰۹-۱۳۲.
۱۸. گیلانی، اشرف (۱۳۸۷). عوامل اجتماعی مؤثر بر ترس از جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت معلم.
۱۹. معین، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی، تهران: فرهنگ‌نما.
۲۰. نیکوکار، حمیدرضا (۱۳۹۰). بررسی بزه‌دیده‌شناسی ترس از جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۲۱. نیکوکار، حمیدرضا و بهاره همت پور (۱۳۹۱). ترس از جرم، تهران: میزان.

(ب) انگلیسی

22. Brown, Ben (2016). *Fear of Crime in South Korea*, International Journal for Crime, Justice and social Democracy, Vol.5, No.4, pp.116-131
23. Ceccato, Vania & Bamzar, Roya (2016). *Elderly Victimization and Fear of Crime in Public Spaces*, International Criminal Review, pp. 1-20.
24. Crank, John & Andrew, Gia Commazzi (2003). "Fear of Crime in Nonurban Setting", *Journal of Criminal Justice*, 31, pp 249-263.
25. Chih-ping, Li, (2018). "Exploring the gender difference in fear of crime among older people", *International Journal of management*, Vol. 7, pp. 26-39.
26. Donnelly, Jack, (1992) "Human Right in the New World Order", *World Policy Journal*, Vol. 9, No. 2, pp 249-277.
27. Ferguson, Kristin M & Charles H. Mindel, (2007). "Modeling of crime in Dallas Neighborhoods: A Test of Social Capital Theory", *Criminology & Criminal Justice*, Vol. 53, No. 2, pp.322-349.
28. Fischer, Claude, (1982). *To Dwell among Friends*, Chicago, University of Chicago.
29. Francis D. Boateng & Nana S. Adjekum-Boateng, (2017). "Differential Perceptions of Fear of Crime among College students: The race factor", *Journal of Ethnicity in Criminal Justice*, Vol.15, No.2, pp.138-159
30. Greer, Chris (2013). *Crime and Media: understanding the connections*, Criminology, Oxford University press.
31. Hanley Natalia & Leah ruppanner (2015). "Understanding the Effects of Crime on women: Fear and Well-Being in the Context of Diverse Relationships", *Social Sciences*, Vol.4, pp.276-293.
32. Jackson, Jonathan (2005). "Validating New Measures of the Fear of Crime", *Int. J. Social Research Methodology*, Vol. 8, No. 4, pp 1-19.
33. Warr, Mark (2000). "Fear of Crime in the United States: Avenues for Research and Policy", *Criminal Justice*, Vol. 4, pp 451-489.
34. Kujala, Pietari ; Johanna, Kallio & Mikko, Niemela (2018). *Income Inequality, Poverty and Fear of crime in Europe*, Cross-Cultural Research, pp.1-23.
35. Melanie Vauclair, Christin & Bouka Bratanova (2016). "Income inequality and Fear of crime across the European region", *European Journal of Criminology*, pp.1-21.
36. Merry, Sally (1981). *Urban Danger, Life in a Neighborhood of Strangers*, Philadelphia, Temp and University.
37. Megerson, Melissa (1997). *Factors Affecting Fear of Crime and Victimization of Residents in Nebraska*, A Thesis, Department of Criminal Justice, University of Nebraska at Omaha.
38. Ollenburger, Jane C. (1981). *Criminal Victimization and fear of Crime. Research on Aging, University of Nebraska-Lincion*, Vol. 3, I 1, pp. 101-118.

39. Park, Andrew J. (2008). "Modeling the Role of Fear of Crime In Pedestrian Navigation" A Dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy, Simon Fraser University.
40. Scott, Hannah (2003). "Stranger Danger: Explaining Women's Fear of Crime", *Western Criminology Review*, Vol.4, No. 3, pp.203-214.
41. Skogan, Wesley G, (1978). *The Fear of Crime Amonge The Elderly*, U.s Department of justice, National Institute of justice.
42. Megerson, Melissa (1997). *Factors Affecting Fear of Crime and Victimization of Residents in Nebraska*, A Thesis (Ed.S Field Project), Department of Criminal Justice, University of Nebraska at Omaha.



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی